

بررسی شبکه معنایی نطفه در قرآن کریم با پاسخ به شبهات

عبدالرضا زاهدی *

صمد اسمی **

غلامرضا خوش‌نیت ***

چکیده

قرآن کریم از «نطفه» با تعابیر و توصیفات از جمله «ماءِ دَافِقٍ»، «سَلَالَةٌ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ» و «نُطْفَةٌ امشاج» سخن گفته است. با پیشرفت علم، برخی درصدد بررسی و تطبیق این آیات با علم جنین‌شناسی برآمده‌اند. ارائه نظرات نادرست در برخی موارد سبب شده است که شبهاتی از جمله «پست‌انگاری آب منی و عدم توجه به اهمیت و ویژگی آن» و «عدم توجه به نقش نطفه زن در آفرینش جنین» در این باره مطرح شود. پس از بررسی روشن‌گردید واژه‌های «دافق» و «مهین» که به‌عنوان صفت برای «ماء» آمده است، به ترتیب به‌معنای «مایع متحرک و آمیخته» و «مایع ضعیف» می‌باشد و همچنین واژه «نطفه امشاج» به قدر متیقن به نطفه مرد و زن هردو اشاره دارد. بنابراین اگر روش معناشناسی به‌درستی انجام گیرد، نه‌تنها با دستاوردهای علم جنین‌شناسی تعارض ندارد، بلکه کاملاً با آن هماهنگ است.

کلیدواژه‌ها: مراحل خلقت انسان، نطفه امشاج، ماء مهین، ماء دافق.

* استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه آیت‌الله العظمی بروجردی (نویسنده مسئول: doctor_zahedi@yahoo.com)

** دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث دانشکده اصول دین قم

*** استادیار علوم قرآن و حدیث مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۵/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۱۲

مقدمه

یکی از محورهای مهم و قابل توجه در قرآن کریم، موضوع پیدایش و آفرینش جنین است که به عنوان نقطه آغاز حیات انسانی مطرح گردیده است. موضوع علم جنین‌شناسی، مطالعه آفرینش انسان از ابتدای تشکیل تخمک لقاح‌یافته با اسپرم، تا انتهای تشکیل جنین و خروج آن از رحم مادر بعد از نه ماه است. بیان مراحل پی‌درپی که بر جنین در رحم می‌گذرد، از مسائل سخت و پیچیده در علم جنین‌شناسی است. قرآن کریم مراحل آفرینش انسان در جنین را به شش مرحله تقسیم نموده است که عبارتند از: نطفه، علقه، مضغه، استخوان و اسکلت‌بندی، پوشاندن استخوان‌ها با عضله و دمیدن روح در جنین: «ثُمَّ خَلَقْنَا النَّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون: ۱۴). پیچیده‌ترین مراحل، زمانی است که جنین دارای حجم کوچکی است، به‌ویژه در هفته‌های اول بارداری. به همین دلیل جنین به‌آسانی قابل مشاهده نیست. بررسی چگونگی استقرار جنین در رحم بدون داشتن تجهیزات و ابزار میکروسکوپی امکان‌پذیر نیست. تا قرن‌های طولانی قبل از اکتشاف میکروسکوپ در قرن ۱۷ میلادی هیچ فهم درستی از نقش زن و مرد در تکوین و شکل‌گیری جنین وجود نداشت؛ درحالی‌که قرآن کریم به‌عنوان وحی الهی، مراحل مختلف و متمایزی را برای جنین بیان می‌کند. قرآن کریم مهم‌ترین عملیات و رخدادهایی را که داخل رحم برای هر مرحله جنین اتفاق می‌افتد، با نام‌گذاری‌ها و اصطلاحاتی بیان می‌کند. این اصطلاحات قرآنی با نهایت دقت و به‌گونه‌ای شگفت‌انگیز تمام شروطی را که اصطلاحات دقیق علمی آن را ایجاد می‌کند، داراست (زندانی، ۱۴۳۲: ۳۳). طبق بیان قرآن کریم مرحله نطفه، مرحله آغازین شکل‌گیری جنین می‌باشد، که با تعبیر و اصطلاحات گوناگون از جمله «ماء دافق»، «سلالة من ماء مهین» و «نطفه امشاج» از آن سخن گفته است و در این پژوهش مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

قرآن کریم به‌عنوان مهم‌ترین منبع مسلمانان بیان کرده است که هیچ‌گونه تناقض و اختلافی در آن وجود ندارد (نساء: ۸۲؛ فصلت: ۴۲)، ادعای جهانی و جاودانگی بودن دارد (انعام: ۱۹؛ فرقان: ۱)، همه بشریت را به راه راست و حقیقت هدایت می‌نماید و منکران و معاندان خود را در صورتی که پذیرای حقایق آن نیستند، به هم‌وردی فراخوانده است (اسراء: ۸۸؛ هود: ۱۳؛ بقره: ۲۳). با پیشرفت علم جنین‌شناسی، برخی معاندان و منکران، آیات مربوط به مرحله نطفه را به چالش کشیده و

شبهاتی درباره آن مطرح نموده‌اند. این پژوهش درصدد است علاوه بر معناشناسی نطفه و واژگان مرتبط با آن، به شبهات مطرح‌شده نیز پاسخ مستدل ارائه نماید.

مفهوم‌شناسی نطفه

واژه «نطفه» در زبان عربی بر معانی متعددی اطلاق شده است؛ از جمله مقدار کمی از آب که معادل آن قطره است (ابن‌سیده، بی‌تا، ج: ۹؛ ۱۸۵؛ ابن‌منظور، بی‌تا، ج: ۹؛ ۳۳۴)؛ سیلان ضعیف چیزی و نیز به‌معنای آب صاف، مقدار آن زیاد باشد یا کم (الفراهیدی، بی‌تا، ج: ۷؛ ۴۳۶؛ الراغب اصفهانی، بی‌تا: ۸۱۱)؛ همچنین به نطفه زن و مرد هردو (الفیومی، بی‌تا، ج: ۲؛ ۶۱۱؛ المصطفوی، بی‌تا، ج: ۱۲؛ ۱۵۸) و نیز به‌طور مطلق به آب نیز نطفه گفته شده است. از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است که در جنگ با خوارج فرمود: «مَصَارِعُهُمْ دُونَ النَّطْفَةِ؛ قتلگاه ایشان این سوی آب (نهروان) است». سید رضی می‌افزاید: مقصود از «نطفه» (به‌معنای آب صاف)، آب نهر است و این فصیح‌ترین کنایه است برای آب (نهج البلاغه: خطبه ۵۹).

بنابر آنچه از فرهنگ لغات استفاده می‌شود، «نطفه» به مقدار کم و ضعیف آب اطلاق می‌شود که سیلان و روان است؛ مایعی که عامل تولیدمثل و بارورکننده است. واژه نطفه ۱۲ بار در قرآن کریم به‌کار رفته است. قرآن کریم از نطفه با تعابیر و توصیفات گوناگونی یاد کرده است؛ گاهی از مطلق نطفه سخن گفته است: «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ» (نحل: ۴)، «الَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّكَ رَجُلًا» (کهف: ۳۷)، «فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ» (حج: ۵)، «قَتَلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ مِنْ نُطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ» (عبس: ۱۷-۱۹)؛ گاهی با عبارات وصفی برخی از ویژگی‌های آن را بازگو نموده است: «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ» (انسان: ۲)، «أَلَمْ يَكُنْ نُطْفَةً مِنْ مَنِيٍّ يُمْنٍ» (قیامت: ۳۷)؛ در برخی موارد نیز با واژگانی از جمله «ماء مهین»، «سَلَالَةٌ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ» و «ماءِ دَافِقٍ» به شرح و تبیین آن پرداخته است.

از دیدگاه قرآن کریم «نطفه» به‌عنوان مرحله آغازین شکل‌گیری جنین، دارای حوزه معنایی گسترده‌ای بوده و با واژگان «ماء دافق»، «ماء مهین»، «سَلَالَةٌ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ» و «نطفه امشاج» در ارتباط است. بدون توضیح این واژگان نیز نمی‌توان نظر قرآن کریم را درباره آن به‌درستی و کامل فهمید. بنابراین با نقد و بررسی شبهات مطرح‌شده، این واژگان نیز معناشناسی خواهند شد.

شبهه اول: پست‌انگاری آب منی و عدم توجه به اهمیت آن

یکی از شبهات این است که «ماء مهین» در آیه «ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ» (سجده: ۸) به معنای «آب پست و بی‌ارزش» است؛ درحالی‌که «منی» از برترین پدیده‌های حیاتی است؛ در هر قطره آن میلیون‌ها اسپرم زنده در حال فعالیت همراه با مواد لازم غذا و آب و مواد حفاظتی وجود دارد. اما انسان بی‌اطلاع گذشته گمان می‌کرد که منی آبی پست و بی‌ارزش و نفرت‌انگیز است. اگر این آیه از خدا بود، قطعاً می‌دانست که منی از عظمت‌های خلقت و فوق‌العاده ارزشمند است و آن را پست نمی‌دانست» (سپا، ۱۳۹۱: ۴۹).

نقد و بررسی

برای نقد این شبهه، دلایل متعددی وجود دارد که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

یک. دلیل معنایی

اشکال به معنای واژه «مهین» برمی‌گردد. بنابراین لازم است واژه «مهین» و همچنین واژه «سلاله» که در آیه مورد بحث آمده است، از منابع معتبر معناشناسی شود و سپس آنچه در ترجمه‌ها و تفاسیر در این باره بازتاب یافته است، بررسی گردد. در پایان این معنا با علم جنین‌شناسی نیز مورد بررسی تطبیقی قرار خواهد گرفت تا تعارض یا عدم تعارض بیان قرآن کریم با علم جنین‌شناسی بر مخاطبان روشن گردد.

واژه «مهین» بر وزن فَعیل از ریشه «مهن» بوده و در فرهنگ لغات به معنای ضعیف (الفراهیدی، بی‌تا، ج ۴: ۶۱، الازهری، بی‌تا، ج ۶: ۱۷۵؛ صاحب بن عباد، بی‌تا، ج ۴: ۸؛ الحمیری، بی‌تا، ج ۹: ۶۴۰۱)، اندک (ابن منظور، بی‌تا، ج ۱۳: ۴۲۵؛ الازهری، بی‌تا، ج ۶: ۱۷۵) و حقیر (الفراهیدی، بی‌تا، ج ۴: ۶۱؛ الجوهری، ۱۴۲۵، ج ۶: ۲۲۰۹؛ الحمیری، بی‌تا، ج ۹: ۶۴۰۱) به کار رفته است. این واژه در مواردی که به عنوان صفت برای مرد به کار رود (رجل مهین)، به معنای مرد ضعیف و حقیر آمده است (الفراهیدی، بی‌تا، ج ۴: ۶۱؛ ابن سیده، بی‌تا، ج ۴: ۳۳۷؛ الجوهری، ۱۴۲۵، ج ۶: ۲۲۰۹). همچنین در مواردی که به عنوان صفت برای «ماء» به کار رود (ماء مهین)، به معنای آب ضعیف و قلیل می‌باشد (الازهری، بی‌تا، ج ۶: ۱۷۵؛ العسکری، بی‌تا: ۲۴۶).

واژه «مهین» ۴ بار در قرآن کریم به کار رفته است: یک بار از زبان فرعون درباره حضرت موسی (ع) به کار رفته که فرعون از نظر امکانات مادی و حکومت، سلطنت و قدرت خود را با آن

حضرت مقایسه نموده (زخرف: ۵۱) و او را مرد ضعیف دانسته است (زخرف: ۵۲). یک بار هم به عنوان صفت برای شخصی به کار رفته که برای او شخصیت و استقلال در نفسش وجود نداشته و در تصمیم‌گیری و استدلال ضعیف است (قلم: ۱۰) و با سوگند خوردن و سخن‌چینی و عیب‌جویی، رأی و نظر خود را تقویت می‌کند (المصطفوی، بی‌تا، ج ۱۱: ۱۹۴). دو بار هم به عنوان صفت برای «ماء» به کار رفته است: «أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَّاءٍ مَهِينٍ؛ آیا شما را از مایع اندک و ضعیف نیافریدیم» (مرسلات: ۲۰)؛ «ثُمَّ جَعَلْنَا نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَّاءٍ مَهِينٍ؛ سپس نسل او (آدم) را از عصاره و چکیده مایع اندک و ضعیف قرار دادیم» (سجده: ۸). کلمه «سلاله» از ریشه «سلل» و در لغت به معنای خارج کردن چیزی از چیز دیگر است (ابن‌سیده، بی‌تا، ج ۸: ۴۱۱؛ ابن‌منظور، بی‌تا، ج ۱۱: ۳۳۸). به درآوردن شمشیر از غلافش نیز «سل» گفته شده است (الراغب اصفهانی، بی‌تا: ۴۱۸). به فرزند هم سلاله گفته شده است؛ چون از شکم مادرش بیرون می‌آید (الازهری، بی‌تا، ج ۱۲: ۲۰۶). همچنین سلاله به قسمت خوب هر چیزی گویند که از آن جدا شده باشد (الراغب اصفهانی، بی‌تا: ۴۱۸).

کلمه «سلاله» سه بار در قرآن کریم به کار رفته است: یک بار همراه با «طین» آمده است که به آفرینش ابوالبشر حضرت آدم (ع) اشاره دارد (مؤمنون: ۱۲). یک بار نیز با «ماء مهین» به کار رفته است که به آفرینش نسل آن حضرت اشاره دارد: «ثُمَّ جَعَلْنَا نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَّاءٍ مَهِينٍ؛ پس نسل او را چکیده و عصاره‌ای از مایع ضعیف قرار دادیم» (سجده: ۸).

از کاربرد قرآنی واژگان «سلاله» و «مهین» می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که مراد از «ماء مهین»، «مایع ضعیف» و مراد از «سلاله من ماء مهین»، «عصاره و چکیده‌ای از مایع ضعیف» می‌باشد؛ یعنی خداوند آفرینش نسل بشر را از مقدار اندکی از مایع ضعیف قرار داده است. «ماء مهین» در آیه «ثُمَّ جَعَلْنَا نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَّاءٍ مَهِينٍ» (سجده: ۸). در ترجمه‌ها به زبان فارسی به چند معنا آمده است: آبی خوار و ضعیف (ابوالفتوح الرازی، ۱۴۰۸، ج ۲۰: ۹۶)، آب ناچیز و بی‌قدر (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ۵۸۱)، آب پست و ناچیز (مشکینی، ۱۳۸۱: ۵۸۱)، آب پست و بی‌مقدار (انصاریان، ۱۳۸۳: ۵۸۱)، آبی خوارمایه (گرمارودی، ۱۳۸۴: ۵۸۱) و آبی غلیظ و بی‌ارج (کاویانپور، ۱۳۷۸: ۵۸۱). به نظر می‌رسد اشکال مورد بحث که «ماء مهین» به معنای آب پست و خوار باشد، در ترجمه‌ها بازتاب یافته است.

قبل از بررسی لازم است دیدگاه مفسران نیز درباره «ماء مهین» بیان گردد. مفسران در تفسیر واژه «ماء مهین» در آیات قرآن کریم، نظرات مختلفی بیان داشته‌اند که خلاصه آن عبارت است از:

۱. آب ضعیف

از ابن عباس، قتاده و مقاتل بن سلیمان نقل شده است که گفته‌اند: واژه «مهین» بر وزن «فَعیل» از ریشه «مهین» و به معنای «ضعیف» می‌باشد (البخی، ۱۴۲۳، ج ۳: ۴۴۹؛ ج ۴: ۵۴۴؛ الطبری، ۱۴۱۲، ج ۲۹: ۱۴۴، الطبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸: ۵۱۲؛ الطوسی، بی تا، ج ۸: ۲۹۷). در تفاسیر متعددی نیز همین معنا آمده است (ابن جزئی، ۱۴۱۶، ج ۲: ۴۴۲؛ السمرقندی، بی تا، ج ۳: ۵۳۳). علاوه بر اینکه برخی مفسران آن را به معنای ضعیف دانسته‌اند، درباره اینکه آیا «ماء مهین» اختصاص به نطفه مرد دارد یا زن و مرد، اختلاف نظر وجود دارد: از مجاهد نقل شده که آن را به نطفه مرد اختصاص داده است: «مهین قال ضعیف نطفة الرجل» (السیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵: ۱۷۲)؛ بعضی نیز گفته‌اند: «ماء مهین» شامل منی مرد و زن هر دو می‌باشد: «ماء مهین: أی ضعیف هو منی الرجل و المرأة» (الابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۱۰: ۳۷۶).

۲. آب قلیل و اندک

از زجاج نقل شده است که گفته‌اند واژه «مهین» به معنای اندک می‌باشد (ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۴: ۸۰). در برخی تفاسیر نیز همین معنا آمده است (ملاحویش آل غازی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۲۵۲؛ ج ۴: ۳۷۲؛ الطبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۶۳۱؛ الطباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰: ۱۵۲).

۳. نطفه و منی

برخی مفسران گفته‌اند مراد از «ماء مهین» در قرآن کریم به معنای نطفه و منی می‌باشد. علی بن ابراهیم قمی گفته مراد از «ماء مهین» نطفه منی است (القمی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۶۸). مقاتل بن سلیمان واژه «مهین» را به معنای ضعیف دانسته و «سلالة من ماء مهین» را به معنای آب نطفه دانسته است (البخی، ۱۴۲۳، ج ۳: ۴۴۹). علامه طباطبایی یکی از معانی آن را نطفه بیان کرده است (الطباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰: ۱۵۳). در برخی دیگر از تفاسیر نیز همین معنا آمده است (السمرقندی، بی تا، ج ۳: ۵۳۳؛ الهواری، ۱۴۲۶، ج ۴: ۴۱۲).

نقد و بررسی دیدگاه‌ها درباره «ماء مهین»

به نظر می‌رسد برخی مفسران و مترجمان به ریشه معنایی واژه «مهین» توجه ننموده‌اند؛ در حالی که در کاربرد قرآنی میان واژه «مهین» با میم مضموم و مفتوح فرق اساسی و ریشه‌ای وجود دارد.

هر کجا واژه «مهین» با میم مضموم آمده و به‌عنوان صفت برای عذاب به‌کار رفته، از ریشه «هون» باب افعال «اهان، بهین» بوده و به‌معنای ذلیل و حقیر و خوارکننده است: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ» (حج: ۵۷). علامه طبرسی بیان داشته است که مهین به‌معنای خوار و ذلیل می‌باشد (الطبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸: ۵۱۲). در آیات دیگری از قرآن کریم (بقره: ۹۰؛ آل‌عمران: ۱۷۸؛ نساء: ۱۴؛ لقمان: ۶؛ مجادله: ۵ و ۱۶) نیز همین معنا آمده است.

واژه «مهین» با میم مضموم از ریشه «هون» در کاربرد قرآنی با واژه «کرامت» تقابل معنایی پیدا کرده و ضد آن در معنای ذلت و خواری به‌کار رفته است: «فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِي وَ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ» (فجر: ۱۵-۱۶)؛ «مَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ» (حج: ۱۸).

این در حالی است که هر کجا واژه «مهین» با میم مفتوح آمده،^۱ بر وزن فعیل و از ریشه «مهین» بوده و به‌معنای ضعیف یا اندک است (ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۲۹: ۳۹۸). علاوه بر آنکه این معنا در برخی فرهنگ لغات آمده است، دلایل دیگری نیز بر این مطلب وجود دارد.

دو. دلیل قرآنی

یکی از دلایل، خود قرآن کریم است که در سیاق یکی از آیات که به آفرینش انسان از «ماء مهین» اشاره دارد، خداوند سبحان به قادر و توانا بودن خود تأکید می‌کند: «أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَكِينٍ إِلَىٰ قَدَرٍ مَّعْلُومٍ فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ» (مرسلات: ۲۰-۲۳). بنابراین خداوند قادر و توانا، انسان را از آب ضعیف آفریده است (الزحیلی، ۱۴۱۸، ج ۲۹: ۳۲۰).

اگر در کاربرد قرآنی، «ماء مهین» را یک عبارت وصفی برای «نطفه» بدانیم، خداوند در برابر تکذیب‌کنندگان معاد، بارها به آفرینش انسان از نطفه اشاره نموده است و در ادامه سیاق آیات به قادر و توانا بودن خود نیز تأکید دارد؛ یعنی همان خداوندی که شما را از نطفه آفرید، دوباره بر

۱. همان‌طور که در کاربرد قرآنی واژه «مهین» گفته شد، فقط ۴ بار در قرآن به‌کار رفته است: زخرف: ۵۲؛ قلم:

۱۰؛ مرسلات: ۲۰ و سجده: ۸.

برگرداندن آن نیز قادر و تواناست: «أَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِنْ مَنِي يَمَنِي... أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ» (قیامت: ۳۷ - ۴۰). در سیاق آیات دیگر نیز همین مضمون آمده است (طارق: ۵-۸؛ حج: ۵-۶). برخی مفسران در تفسیر آیه «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً» (روم: ۵۴)، آفرینش انسان از «ضعف» را با «ماء مهین» هم‌معنا دانسته‌اند (اندلسی، ۱۴۲۲، ج: ۴، ۳۴۳). برخی دیگر از مفسران آفرینش از «ضعف» را به معنای آفرینش از نطفه تطبیق داده‌اند (الطبرسی، ۱۳۷۲، ج: ۸، ۴۸۵؛ البحرانی، ۱۴۱۶، ج: ۴، ۳۵۴؛ الطباطبایی، ۱۴۱۷، ج: ۱۶، ۲۰۵). بنابراین در این آیه کریمه، آفرینش انسان از ضعف که منظور از آن «ماء مهین» به معنای مایع ضعیف می‌باشد، با آنچه در معنای واژه مهین توضیح داده شد، هماهنگ است و آن را تصدیق و تأیید می‌نماید.

سه. دلیل روایی

دلیل دیگر، روایتی از پیامبر اکرم (ص) می‌باشد که در آن آمده است: «لَيْسَ مِنْ كُلِّ الْمَاءِ يَكُونُ الْوَلَدُ؛ از همه مایع، فرزند پدید نمی‌آید» (المجلسی، ۱۴۰۳، ج: ۲۱، ۱۸۲؛ ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۵، ج: ۱، ۱۱۶؛ ج: ۴، ۳۳۰). روایت مذکور می‌تواند بیانگر این مطلب باشد که از تمام مایع منی، فرزند به وجود نمی‌آید، بلکه از عصاره و چکیده و بخشی از آن، فرزند آفریده می‌شود. شایان ذکر است آنچه در این روایت آمده است، با عبارت قرآنی «سَلَالَةٌ مِنْ مَاءِ مَهِينٍ» که به معنای عصاره و چکیده‌ای از مایع ضعیف می‌باشد، قابل تطبیق است.

چهار. دلیل علمی

از نظر علم جنین‌شناسی ثابت شده است که هر بار انزال منی که حجم آن ۳ تا ۵ میلی‌لیتر است، محتوی ۱۵۰ تا ۷۵۰ میلیون اسپرم است. از ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیون اسپرماتوزوئیدی که در شرایط طبیعی وارد مجرای تناسلی زن می‌شوند، تنها ۳۰۰ تا ۵۰۰ عدد از آنها به محل لقاح می‌رسند و از این تعداد تنها یک اسپرم سلول تخمک را بارور می‌کند و بقیه از بین می‌روند (وی سادلر، ۱۳۹۴: ۶۱). همچنین در آغاز هر چرخه تخمدانی، ۱۵ تا ۲۰ فولیکول پیش‌آنترومی تحریک می‌شوند تا تحت تأثیر هورمون محرک فولیکول (FSH) رشد کنند. به این ترتیب هورمون محرک فولیکول ۱۵ تا ۲۰ عدد از این سلول‌ها را از مخزن پیوسته تشکیل‌دهنده فولیکول‌های

اولیه رها می‌کند. در شرایط طبیعی، فقط یکی از این فولیکول‌ها به بلوغ کامل می‌رسد و فقط یک اووسیت (تخمک) آزاد می‌شود و بقیه آنها از بین می‌روند (همان: ۵۵).
بنابر آنچه از علم جنین‌شناسی درباره ویژگی نطفه مرد و زن به‌دست آمده، هم معنای ضعیف بودن قابل برداشت است؛ چون در فرایند عمل باروری، تعداد انبوهی از آنها طی چند ساعت از بین می‌روند، و هم معنای مقدار اندک؛ یعنی تنها از یک اسپرم و تخمک عمل لقاح و باروری انجام می‌گیرد.

شبهه دوم: آفرینش جنین از نطفه مرد و عدم توجه به نقش نطفه زن

یکی دیگر از اشکالات این است که «ماءِ دَافِق» در آیه «خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ» (طارق: ۶) به معنای «آب جهنده» می‌باشد. بنابراین «براساس این آیه انسان از منی مرد ساخته می‌شود؛ چون گفته شده که انسان از آب جهنده ساخته می‌شود. آب جهنده فقط در مورد منی در مرد صادق است؛ چون زن اصولاً فاقد منی است و تنها ترشحاتی در دیواره مجرای تناسلی و رحم دارد که انتقال اسپرم را تسهیل می‌کند. بنابراین در هیچ جای قرآن به نقش زن در نطفه اشاره‌ای نشده است» (سها، ۱۳۹۱: ۵۱).

نقد و بررسی

قبل از بررسی دیدگاه مترجمان، مفسران و دانشمندان علم جنین‌شناسی لازم است «ماءِ دَافِق» را از منابع معتبر فرهنگ لغات معناشناسی کنیم.

یک. دلیل معنایی

در فرهنگ لغات برای واژه «دَافِق» معانی متعددی بیان شده است؛ از جمله به آبی که یک‌باره بریزد، «دَفِق المَاء» گویند و نیز نطفه که یک‌باره بریزد، به آن «ماءِ دَافِق» گفته‌اند (الفراهیدی، بی‌تا، ج ۵: ۱۲۰). برخی دیگر گفته‌اند: به معنای جمع شدن و مختلط شدن است. زمانی که قوم به صورت دسته جمعی بیایند، گفته می‌شود: «جَاءَ الْقَوْمُ دُفْقَةً أَوْ مُجْتَمِعِينَ» (الفیومی، بی‌تا، ج ۲: ۱۹۷). یکی دیگر از معانی‌ای که بیشتر لغت‌دانان بیان کرده‌اند، متحرک و سریع است، و آن زمانی است که بخواهند چگونگی حرکت چیزی را بیان کنند: «"سیرٌ أَدْفَقُ" أَيْ سَرِيعٌ» (ابن‌سیده، بی‌تا، ج ۶: ۳۲۰؛ الجوهری، ۱۴۲۵، ج ۴: ۱۴۷۵؛ ابن‌منظور، بی‌تا، ج ۳: ۹۹؛ فیروزآبادی، بی‌تا، ج ۳: ۳۱۴). «سار القومُ سیراً أَدْفَقَ أَيْ سَرِيعاً»

یعنی قوم با سرعت حرکت کردند (ابن‌درید، بی‌تا، ج ۲: ۶۷۲؛ الازهری، بی‌تا، ج ۹: ۵۲). همچنین وقتی گفته می‌شود: «ناقة دُفاق»، یعنی شتر در حرکت سریع است (الفراهیدی، بی‌تا، ج ۵: ۱۲۰؛ الازهری، بی‌تا، ج ۹: ۵۲).

«دفاق» از واژگان تک‌کاربردی در قرآن کریم است که در وصف «منی» به کار رفته است: «خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَاقِقٍ» (طارق: ۶). بنابراین ارائه معنای صحیح آن علاوه بر پاسخ به شبهه مطرح‌شده، نقش بسیار مهمی در فهم آیه بعدی دارد که از آیات چالش‌برانگیز بوده و مفسران درباره آن نظرات گوناگونی بیان کرده‌اند. اینکه در آیه «یخرج من بین الصلب والترائب» (طارق: ۷) مراد از صلب و ترائب چیست و آیا به مرد اختصاص دارد یا زن و مرد هر دو، با روشن شدن معنای «ماء دفاق» مشخص خواهد شد.

درباره اینکه آیا «ماء دفاق» تنها به نطفه مرد اختصاص دارد یا شامل نطفه مرد و زن هر دو می‌شود، در میان مفسران دو دیدگاه وجود دارد:

در دیدگاه اول، برخی مفسران «ماء دفاق» را تنها بر «مایع منی» مرد تطبیق داده‌اند. علامه طباطبایی فرموده است: مایعی را که با سرعت و فشار جریان داشته باشد «ماء دفاق» گویند، که در اینجا منظور نطفه آدمی است که با فشار از پشت پدر به رحم مادر منتقل می‌شود (الطباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰: ۲۶۰).

مرحوم طالقانی بیان داشته است: «ماء» دلالت به وحدت و ابهام دارد که به دو وصف ظاهر و مجمل «دفاق» و مفصل‌تر «یخرج...» توصیف شده است. وحدت و ابهام «ماء» مشعر بر اسرارآمیز یا ناچیز و مجهول بودن آن است. ظاهر معنای «دفاق» به صیغه فاعل این است که آن آب خود جهنده است و این مطابق با کشف سلول زنده مرد - اسپرماتوزوئید - است که بیش از فشارهای قبض و بسطی عضلات، خود متحرک و جهنده می‌باشد (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۳: ۳۳۰-۳۳۱). ایشان در ادامه بیان خود، نظر برخی دیگر از مفسران را نقد نموده و گفته است: آیه به‌صراحت می‌گوید: ماء دفاق - که مخصوص مرد است - از میان صلب و ترائب بیرون می‌آید. بنابراین صلب و ترائب، هر دو را باید در دستگاه نطفه‌ساز مرد جستجو نمود (همان: ۳۳۲).

آیت‌الله مکارم شیرازی نیز فرموده است: «خلق من ماء دافق» توصیفی است برای نطفه مرد که در آب منی شناور است، و به هنگام بیرون آمدن جهش دارد. ایشان در ادامه دیدگاه دیگران را نقد کرده و گفته است: در این آیات تنها سخن از نطفه مرد در میان است؛ زیرا تعبیر به «ماء دافق» (آب جهنده) درباره نطفه مرد صادق است، نه زن؛ چون قرآن به یکی از دو جزء اصلی نطفه که همان نطفه مرد است و برای همه محسوس می‌باشد، اشاره کرده و با آنچه در فرهنگ لغات در معنای واژگان آمده، هماهنگ است. ممکن است حقیقت مهم‌تری نیز در این آیه نهفته باشد که در حد علم امروز برای ما کشف نشده است و اکتشافات دانشمندان در آینده از روی آن پرده برخواهد داشت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۶: ۳۶۴).

در دیدگاه دوم، برخی مفسران «ماء دافق» را به نطفه مرد و زن هر دو اختصاص داده‌اند. طبرسی در تفسیر خود از ابن عباس نقل کرده است: منظور از «ماء دافق» مایعی است که در رحم زن ریخته می‌شود؛ یعنی مایع منی که فرزند از آن متولد می‌شود. فرآء گفته است: اهل حجاز اسم فاعل را به معنای مفعول به کار می‌برند؛ مانند سر کاتم، هم ناصب و لیل نائم. در ادامه از عطا نقل نموده که او گفته است: آیه کریمه صلب مرد و ترائب زن را اراده نموده است؛ به این دلیل که فرزند به وجود نمی‌آید، مگر از نطفه مرد و زن (الطبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۷۱۵). برخی دیگر گفته‌اند: انسان از مایعی آفریده شده که روان است و به سرعت در رحم ریخته می‌شود، که از صلب مرد و ترائب زن خارج می‌گردد (النووی جاوی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۶۲۲). صاحب محاسن التأویل گفته است: ماء دافق همان مایعی است که آفرینش کامل همچون انسان از آن نشئت می‌گیرد که دارای عقل و شعور می‌باشد (قاسمی، ۱۴۱۸، ج ۹: ۴۵۰). سید بن قطب گفته است: انسان از مایعی آفریده شده است که از صلب مرد که همان ستون فقرات، و از ترائب زن که استخوان‌های بالای سینه است، جمع می‌گردد و در این سر پنهانی در علم خداوند است که بشر آن را نمی‌داند (سید بن قطب، ۱۴۱۲، ج ۶: ۳۸۷۸). مراغی گفته است: دافق به معنای مدفوق است که از صلب و ترائب مرد و زن هر دو خارج می‌گردد؛ همان ماده‌ای که برای آفرینش انسان است، زمانی که از میان مرد و زن خارج می‌شود و در رحم قرار می‌گیرد (المراغی، بی تا، ج ۳: ۱۱۲). برخی نیز معتقدند «ماء دافق» همان نطفه است و مراد از صلب و ترائب به ترتیب صلب مرد و ترائب زن است. این دو مصدر نطفه‌ای هستند که انسان از آن متولد می‌گردد (المغنیه، ۱۴۲۴، ج ۷: ۵۴۹).

براساس دیدگاه اول، منظور از «ماء دافق» همان منی مرد می‌باشد که از صلب و ترائب او خارج می‌گردد. دلیل شایان توجه صاحبان این دیدگاه آن است که «ماء دافق» به معنای آب جهنده است که با شدت و قوت خارج می‌گردد؛ اما نطفه زن حالت جهندگی ندارد. بنابراین براساس سیاق آیه، صلب و ترائب اختصاص به مرد دارد.

براساس دیدگاه دوم که نظر بیشتر مفسران می‌باشد (صابونی، ۱۴۲۱، ج ۳: ۵۱۹؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۲۴: ۱۸۲؛ گنابادی، ۱۴۰۸، ج ۴: ۲۴۶؛ الطنطاوی، بی تا، ج ۱۵: ۳۵۴)، «دافق» به معنای مدفوق یعنی مایعی ریخته شده است که شامل مرد و زن هر دو می‌باشد. دلیل شایان توجه صاحبان این دیدگاه آن است که انسان از نطفه مرد و زن هر دو آفریده می‌شود. بنابراین براساس سیاق آیه، صلب و ترائب به مرد و زن هر دو اختصاص دارد (صلب و ترائب مرد و صلب و ترائب زن)، و در نظر برخی دیگر صلب به مرد و ترائب به زن اختصاص دارد.

«ماء دافق» در تمام ترجمه‌های فارسی بررسی شده^۱ به «آب جهنده» ترجمه شده است؛ اما درباره اینکه آب جهنده اختصاص به نطفه مرد دارد یا نطفه زن و مرد، اختلاف نظر وجود دارد. برخی مترجمان تصریح کرده‌اند که به نطفه مرد اختصاص دارد: «آفریده شده است از آب جهنده مرد» (البلاغی، ۱۳۸۶، ج ۷: ۲۰۶)؛ «از آب جهنده‌ای آفریده شده است (یعنی منی مرد که می‌جهد و در رحم زن قرار می‌گیرد و فرزند می‌شود)» (میرزا خسروانی، ۱۳۹۰: ذیل طارق: ۶). اما آیت‌الله مشکینی گفته‌اند آیه به نطفه مختلط مرد و زن اشاره دارد: «از آبی جهنده (مختلط از زوجین) آفریده شده است» (مشکینی، ۱۳۸۱: ذیل طارق: ۶).

واژه «ماء دافق» در ترجمه‌های فارسی به سه معنا آمده است: «آب جهنده»، «نطفه جهنده» و «آب افکنده و ریخته شده». این معانی که در ترجمه‌ها بازتاب یافته است، به ویژگی‌های منی مرد اشاره دارد که حالت جهنده دارد، به جز آیت‌الله مشکینی که گفته‌اند: «ماء دافق» به نطفه مختلط زن و مرد اشاره دارد؛ ولی از آن جهت که فقط منی مرد حالت جهنده دارد، اشکال مطرح شده بر قوت خود باقی است.

۱. از جمله: محمدعلی رضایی اصفهانی، آیت‌الله مکارم شیرازی، حسین انصاریان، بهاء‌الدین خرم‌شاهی، مهدی فولادوند، سید علی گرمارودی، محمود صلواتی، اصغر برزی و ابوالقاسم پاینده.

همان‌طور که در بخش معناشناسی گذشت، واژه «دافق» به معنای دیگری از جمله «جمع و مختلط شدن» و «متحرک و سریع» نیز آمده است که برخی مفسران و مترجمان از آن غفلت نموده‌اند. اگر معنای این واژه «جمع و مختلط شدن» باشد، به معنای «اجتماع و آمیختگی گامت نر و ماده» است. ممکن است به ذهن برسد که اگر منظور گامت نر و ماده بوده است، چرا در آیه از لفظ تشبیه استفاده ننموده و نگفته است: «خلق من مائین دافقین»؛ چون هر دو آب مرد و زن در رحم درهم می‌آمیزند و در آغاز آفرینش با هم متحد می‌شوند. پس آیه با ظرافت به آمیزش دو عامل باروری در زن و مرد اشاره نموده است که از اتحاد و آمیختگی آن دو، پیدایش جنین حاصل می‌گردد (نورمحمدی، ۱۳۸۸: ۱۱).

تنها اشکال این نظر آن است که اگر «دافق» را به معنای جمع شدن گامت نر و ماده بگیریم که همان تخم لقاح یافته است، صلب و ترائب را در آیه بعدی باید با نطفه مرد - اسپرم - و نطفه زن - تخمک یا اوول - تطبیق دهیم؛ درحالی که کسی این‌گونه معنا نکرده است. به علاوه، معنای جمع و مختلط شدن که معنای مصدری دارد، با واژه «دافق» که اسم فاعل است، سازگار به نظر نمی‌رسد. به نظر می‌رسد معنای «متحرک و سریع» برای واژه «دافق» صحیح‌تر باشد؛ یعنی «دافق» به صورت اسم فاعل به حرکت ذاتی «ماء» دلالت دارد. در واقع این مایع سیال و روان، متحرک و سریع است و این صفت ذاتی از او جدا نمی‌گردد. این می‌تواند از پیش‌گویی و اعجاز قرآن کریم باشد که با آنچه در علم جنین‌شناسی درباره شرایط باروری برای نطفه مرد و زن آمده، هماهنگ است.

برخی لغت‌دانان و ادیبان گفته‌اند: «ماء دافق» یا «ماء مدفوق» به معنای آبی است که ریخته شود. در توجیه اینکه دافق به صورت اسم فاعل چگونه می‌تواند صفتی برای «ماء» باشد، برخی از جمله فرآء و کسایی گفته‌اند: «دافق» یعنی «مدفوق»، و اهل حجاز فاعل را زمانی که نعت واقع شود، به معنای مفعولی می‌آورند؛ مثل سر کاتم یعنی مکتوم (ابن‌سیده، بی‌تا، ج ۸: ۵۸۴؛ الحمیری، بی‌تا، ج ۴: ۲۱۱۹). برخی دیگر از نحوین مانند ابوجعفر نحاس این نظر را رد کرده و گفته‌اند: صفت فاعلی به جای صفت مفعولی به کار نمی‌رود. اگر این‌گونه باشد، جایز است ضارب به معنای مضروب باشد. (همان) از زجاج نقل شده که گفته است: «ماء دافق» یعنی «ماء ذی دفق» گفته‌اند که این روش سیبویه و خلیل است (الازهری، بی‌تا، ج ۹: ۵۲؛ ابن‌منظور، بی‌تا، ج ۳: ۵۰۰؛ الفیومی، بی‌تا، ج ۲: ۱۹۷). از لیث

نقل شده که گفته است: «دافق» به معنای ریزنده و بدون تأویل به همان معنای اسم فاعل است (قاسمی، ۱۴۱۸، ج ۹: ۴۵۱). این اشکال بر برخی ادیبان نیز وارد است که «دافق» را به معنای اسم مفعول، یعنی مدفوق گرفته‌اند؛ درحالی که همان گونه که گفتیم، اگر دافق به معنای متحرک و سریع باشد، اسم فاعل بودن دافق به حرکت ذاتی «ماء» دلالت دارد، و صفتی است که از آن جدا نمی‌شود. «ماء دافق» به معنای مایع متحرک بوده و بیانگر یکی دیگر از صفات نطفه است؛ یعنی نطفه مرد و زن هر دو متحرک هستند و خداوند انسان را از آن خلق می‌نماید.

با این بیان معنای آیه «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ يُخْرَجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ» (طارق: ۵-۷) روشن شد که براساس آن «ماء دافق» بر نطفه مرد و زن هر دو دلالت می‌کند. همان گونه که در آیه «سُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَ دَمٍ لَبِنًا خَالِصًا سَائِغًا لِّلشَّارِبِينَ» (نحل: ۶۶) به منبع و منشأ شیر خالص، یعنی فرث و دم اشاره شده است، منشأ و منبع شکل‌گیری «ماء دافق» از میان صلب و ترائب خواهد بود.

علاوه بر آیه «خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ» که برخلاف تصور نادرست منکران و معاندان، به نطفه مرد و زن هر دو در شکل‌گیری جنین اشاره دارد، آیات دیگری در قرآن کریم وجود دارد که در آنها به نقش نطفه مرد و زن هر دو در آفرینش جنین تصریح شده است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا» (انسان: ۲). واژه «امشاج» از واژگان تک‌کاربردی در قرآن کریم و از ریشه «مشج» بوده و معنای اصلی آن مختلط و به هم آمیخته شدن است (الفرهیدی، بی‌تا، ج ۶: ۴۱؛ احمد بن فارس، بی‌تا، ج ۵: ۳۲۶). این واژه در معنای به هم آمیخته شدن رنگ‌ها و در هم آمیختن نطفه زن و مرد به کار رفته است (الجوهری، ۱۴۲۵، ج ۶: ۳۴۱؛ الازهری، بی‌تا، ج ۱۰: ۲۹۲). درباره تفسیر این آیه چند احتمال مطرح شده است:

- اختلاط نطفه مرد و زن (الطبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۶۱۵؛ الطباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰: ۱۲۱)؛

- اشاره به استعدادهای مختلف درون نطفه از نظر عامل وراثت از طریق ژن‌ها و مانند آن

(سید بن قطب، ۱۴۱۲، ج ۶: ۳۷۸۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۵: ۳۳۵)؛

- اشاره به اختلاط مواد مختلف ترکیبی نطفه (الطباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰: ۱۲۱؛ ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۲۹:

۳۴۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۵: ۳۳۵)؛

- «امشاج» اشاره به تطورات نطفه در دوران جنینی باشد (همان).

بنابراین همان‌طور که در معنای لغوی «امشاج» گفته شد، این واژه در اصل به معنای به هم آمیخته شدن است؛ ولی اینکه چرا واژه «نطفه» به صورت مفرد، ولی «امشاج» به صورت جمع به کار رفته است، در حالی که از لحاظ ادبی صفت باید با موصوف مطابقت کند، در توضیح می‌توان گفت: از یک سو اینکه «نطفه امشاج» در جایی به کار می‌رود که نطفه مرد و زن با هم آمیخته شده و یک سلول تخم را تشکیل داده‌اند؛ از سویی دیگر وقتی واژه «امشاج» به صورت جمع به کار رفته است، می‌تواند ظرفیت پذیرش همه معانی را دارا باشد؛ هم اختلاط نطفه مرد و زن و هم مواد مختلف ترکیبی نطفه و هم عوامل وارثی مرد و زن و ویژگی‌های جسمی و روحی مرد و زن که به جنین منتقل می‌شود، و نیز ویژگی‌های بسیار دیگری که هنوز اکتشافات علمی بدان نرسیده است. این از اسرار و عجائب تعابیر قرآنی است که تنها می‌تواند دلالت بر منشأ و منبع وحیانی و الهی آن داشته باشد.

دو. دلیل روایی

در روایاتی که از حضرات معصوم (ع) درباره تفسیر «نطفه امشاج» نقل شده، به آمیختگی نطفه مرد و زن هر دو اشاره شده است. برای نمونه از امام علی (ع) روایت شده است که درباره شکل‌گیری جنین در رحم فرمودند:

تَعَلَّجَ النُّطْفَتَانِ فِي الرَّحِمِ فَأَيَّتُهُمَا كَانَتْ أَكْثَرَ جَاءَتْ تُشْبِهُهَا فَإِنْ كَانَتْ نُطْفَةُ الْمَرْأَةِ أَكْثَرَ جَاءَتْ تُشْبِهُهُ أَوْ خَالَهَ وَإِنْ كَانَتْ نُطْفَةُ الرَّجُلِ أَكْثَرَ جَاءَتْ تُشْبِهُهُ أَعْمَامَهُ؛ نطفه مرد و زن در رحم با یکدیگر آمیخته می‌گردند. در این صورت هر کدام از آن دو که غالب‌تر باشد، جنین شبیه آن نطفه می‌شود. پس اگر نطفه زن غالب‌تر باشد، جنین شبیه دایی‌های خود می‌گردد و اگر نطفه مرد غالب‌تر باشد، جنین شبیه عموهای خود می‌شود (المجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۷: ۳۴۰).

امام باقر (ع) در روایتی «نطفه امشاج» را به آمیختگی مایع مرد و زن تفسیر نموده‌اند: «مَاءُ الرَّجُلِ وَمَاءُ الْمَرْأَةِ اخْتَلَطَا جَمِيعًا؛ مایع مرد و زن هر دو با هم مخلوط و آمیخته می‌گردد» (همان: ۳۷۶؛ قمی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۳۹۸).

سه. دلیل علمی

از نظر علم جنین‌شناسی ثابت شده است اسپرم‌هایی که در مایع منی مرد وجود دارد، باید زنده و متحرک باشد تا عمل باروری انجام گیرد. اما مایعی که از زن ترشح می‌شود، دو نوع است:

۱. مایعی چسبنده که سیال و روان است و حرکتی ندارد. این همان آب مهبل است و هیچ نقشی در شکل‌گیری جنین ندارد، بلکه مسیر حرکت تخمک را هموار می‌نماید.

۲. مایعی متحرک که ماهیانه یک بار از تخمدان به طرف لوله رحم خارج می‌گردد. این مایع دربرگیرنده نطفه زن (تخمک یا اوول) می‌باشد که از داخل لوله رحمی حرکت می‌کند.

بنابراین نطفه مرد و زن هر دو متحرک هستند (السعدی، ۱۴۱۴: ۴۲-۴۳). در علم جدید ثابت شده است تخمک زن نیز باید زنده باشد تا عمل باروری کامل گردد (زندانی، ۱۴۱۳: ۳۵).

از نظر علم جنین‌شناسی، اسپرم از خود حرکت ذاتی دارد، ولی تخمک زن از خود حرکت ذاتی ندارند، بلکه در مدت کوتاهی قبل از تخمک‌گذاری شرابه‌های لوله رحمی شروع به جارو کردن سطح تخمدان می‌کنند و خود لوله رحمی هم شروع به انقباضات منظم می‌نماید. محققان بر این باورند که این حرکات جاروکننده شرابه‌ها و حرکات مژک‌های روی مخاط لوله رحمی است که اووسیت احاطه‌شده را به داخل لوله رحمی منتقل می‌کند. پس از قرار گرفتن اووسیت در لوله رحمی، انقباضات عضلانی لوله رحمی و نیز حرکات مژک‌های روی مخاط لوله، آن را با سرعت قابل تنظیم توسط عوامل درون‌ریز در جریان و بعد از تخمک‌گذاری، به جلو می‌رانند. در انسان، اووسیت لقاح‌یافته طی حدود ۳ تا ۴ روز به فضای رحمی می‌رسد (وی سادلر، ۱۳۹۴: ۵۸-۵۹).

نتیجه

۱. قرآن کریم و سنت نبوی بر مرحله اول از مراحل جنین «نطفه» اطلاق کرده است که در زبان عربی بر مقدار کمی از مایع یا قطره‌ای از آن دلالت دارد. قرآن کریم با عبارات گوناگون از این مرحله سخن گفته است.

۲. در کاربرد قرآنی میان واژه «مهین» با میم مضموم و مفتوح فرق اساسی و ریشه‌ای وجود دارد. این واژه هرگاه با میم مضموم آمده، صفت برای عذاب بوده و از ریشه «هون» به معنای خوار و ذلیل است؛ اما با میم مفتوح از ریشه «مهن» بر وزن فعیل و به معنای ضعیف می‌باشد. «سلالة من

ماء مهین» نیز به معنای چکیده‌ای از مایع ضعیف می‌باشد و با آنچه در علم جنین‌شناسی درباره ویژگی اسپرم مرد و تخمک زن آمده است، مطابقت دارد.

۳. «ماء دافق» در آیه به معنای متحرک است، نه به معنای جهنده، و شامل نطفه مرد و زن هردو می‌باشد.

۴. براساس تفاسیر گوناگونی که در معنای «نطفه امشاج» بیان گردید، بنابه قدر متیقن به نطفه زن و مرد هردو اشاره دارد. روایات معصومین (ع) نیز آن را تأیید می‌نماید و با آنچه در علم جنین‌شناسی نیز مطرح شده است، مطابقت دارد. علاوه بر آن، بسیاری از ویژگی‌های جسمی و روانی مرد و زن که به جنین منتقل می‌شود، قابل برداشت است.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۵ق)، *عوالی الثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة*، قم: دار سید الشهداء للنشر، ج ۱ و ۴.
- ابن جزی، محمد بن احمد (۱۴۱۶ق)، *التسهیل لعلوم التنزیل*، محقق: عبدالله خالدی، بیروت: دار الازقم بن ابی الارقم، ج ۲.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۲ق)، *زاد المسیر فی علم التفسیر*، محقق: عبدالرزاق المهدی، بیروت: دار الکتب العربی، ج ۴.
- ابن درید، محمد بن حسن (بی‌تا)، *جمهره اللغة*، بیروت: دار العلم للملایین، ج ۲.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل (بی‌تا)، *المحکم و المحيط الأعظم*، بیروت: دار الکتب العلمیه، ج ۴، ۶، ۸ و ۹.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی‌تا)، *التحریر و التنویر*، بیروت: مؤسسه التاریخ، ج ۲۹.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (بی‌تا)، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر، طبعه الثالثه، ج ۳، ۹، ۱۱ و ۱۳.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ ق)، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، محقق: محمدجعفر یاحقی و محمدمهدی ناصح، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ج ۲۰.

- ابوحيان، محمد بن يوسف (۱۴۲۰ق)، *البحر المحيط فى التفسير*، محقق: صدقى محمد جميل، بيروت: دار الفكر، ج ۱۰.
- احمد بن فارس (بى تا)، *معجم مقاييس اللغة*، محقق و مصحح: هارون عبدالسلام محمد، قم: مكتب الاعلام الاسلامى، ج ۵.
- الازهرى، محمد بن احمد (بى تا)، *تهذيب اللغة*، بيروت: دار احياء التراث العربى، ج ۶، ۹، ۱۰ و ۱۲.
- اندلسى، ابن عطيه (۱۴۲۲ق)، *المحرر الوجيز فى تفسير الكتاب العزيز*، بيروت: دار الكتب العلميه، ج ۴.
- انصاريان، حسين (۱۳۸۳)، *ترجمه قرآن*، قم: انتشارات اسوه.
- بابايى، على اكبر (۱۳۸۱ش)، *مكاتب تفسيرى*، تهران: انتشارات سمت.
- البحرانى، هاشم بن سليمان (۱۴۱۶ق)، *البرهان فى تفسير القرآن*، محقق: قسم الدراسات الاسلاميه موسسه البعثة، تهران: بنياد بعثت، ج ۴.
- بلاغى، سيد عبدالحجت (۱۳۸۶)، *حجج التفاسير و بلاغ الإكسير*، قم: انتشارات حكمت، ج ۷.
- بلخى، مقاتل بن سليمان (۱۴۲۳ق)، *تفسير مقاتل بن سليمان*، محقق: عبدالله محمود شحاته، بيروت: دار إحياء التراث، ج ۳ و ۴.
- الجوهرى، اسماعيل بن حماد (۱۴۲۵ق)، *الصحاح*، مصحح: احمد عطار عبدالغفور، بيروت: دار العلم للملايين، ج ۴ و ۶.
- الحميرى، نشوان بن سعيد (بى تا)، *شمس العلوم*، محقق و مصحح: مطهر بن على اريانى، يوسف محمد عبدالله، حسين بن عبدالله عمرى، دمشق: دار الفكر، ج ۴ و ۹.
- الراغب اصفهانى، حسين بن محمد (بى تا)، *مفردات ألفاظ القرآن*، بيروت: دار القلم.
- الزحيلي، وهبه بن مصطفى (۱۴۱۸ق)، *التفسير المنير فى العقيدة و الشريعة و المنهج*، بيروت- دمشق: دار الفكر المعاصر، ج ۲۹.
- زندانى، عبدالمجيد (۱۴۳۲ق)، *علم الاجنه فى ضوء القران و السنه*، بيروت: مكتبه العصريه.
- السعدى، داود سلمان (۱۴۱۴ق)، *أسرار خلق الانسان العجايب فى الصلب و الترائب*، لبنان - بيروت: دار الحرف العربى.
- سمرقندى، نصر بن محمد بن احمد (بى تا)، *بحر العلوم*، محقق: ابوسعيد عمر بن غلامحسن عمروى، بيروت: دار الفكر، ج ۳.
- سها (۱۳۹۱)، *نقد قرآن*، بى جا: بى نا.

- سید بن قطب (۱۴۱۲ق)، فی ظلال القرآن، بیروت - قاهره: دار الشروق، چاپ هفدهم، ج ۶.
- السيوطي، عبدالرحمن بن ابي بكر (۱۴۰۴ق)، الدر المنثور في تفسير المأثور، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ج ۵.
- شريف رضى، سيدمحمد بن حسين (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغه (للصحي صالح)، قم: هجرت.
- صابوني، محمدعلي (۱۴۲۱ق)، صفوه التفاسير تفسير للقرآن الكريم، بيروت: دار الفكر، ج ۳.
- صاحب بن عباد، اسماعيل بن عباد (بی تا)، المحيط في اللغة، محمدحسن آل ياسين، بيروت: عالم الكتب، ج ۴.
- طالقانی، سيد محمود (۱۳۶۲)، پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم، ج ۳.
- الطباطبائي، سيد محمدحسين (۱۴۱۷ق)، الميزان في تفسير القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامي جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ج ۱۶ و ۲۰.
- الطبرسي، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البيان في تفسير القرآن، محقق: محمدجواد بلاغی، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ج ۸ و ۱۰.
- الطبري، ابوجعفر محمد بن جرير (۱۴۱۲ق)، جامع البيان في تفسير القرآن، بيروت: دار المعرفة، ج ۲۹.
- الطنطاوي، سيد محمد (بی تا)، التفسير الوسيط للقرآن الكريم، قاهره: دار نهضة مصر للطباعة و النشر، ج ۱۵.
- الطوسي، محمد بن حسن (بی تا)، التبيان في تفسير القرآن، محقق: احمد قصير عاملي، بيروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۸.
- العسكري، حسن بن عبدالله (بی تا)، الفروق في اللغة، بيروت: دار الافاق الجديدة.
- الفراهیدی، خليل بن احمد (بی تا)، كتاب العين، قم: نشر هجرت، چاپ دوم، ج ۷-۴.
- فضل الله، سيد محمدحسين (۱۴۱۹ق)، تفسير من وحي القرآن، بيروت: دار الملاك للطباعة و النشر، چاپ دوم، ج ۲۴.
- فيروزآبادی، محمد بن يعقوب (بی تا)، القاموس المحيط، بيروت: دار الكتب العلمية، ج ۳.
- الفيومي، احمد بن محمد (بی تا)، المصباح المنير، قم: مؤسسه دار الهجرة، چاپ دوم، ج ۲.
- قاسمی، محمد جمال الدين (۱۴۱۸ق)، محاسن التأويل، محقق: محمد باسل عيون السود، بيروت: دار الكتب العلمية، ج ۹.

- القمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)، *تفسیر القمی*، محقق و مصحح: طیب موسوی جزائری، قم: دار الکتب، چاپ سوم، ج ۲.
- کاویانپور، احمد (۱۳۷۸)، *ترجمه قرآن*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات اقبال، چاپ سوم.
- گرمارودی، سید علی (۱۳۸۴)، *ترجمه قرآن*، تهران: انتشارات قدیانی، چاپ دوم.
- گنابادی، سلطان محمد (۱۴۰۸ق)، *تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباده*، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ج ۴.
- المجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ج ۲۱ و ۵۷.
- المرآغی، احمد بن مصطفی (بی تا)، *تفسیر المرآغی*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۳۰.
- مشکینی، علی (۱۳۸۱)، *ترجمه قرآن*، قم: الهادی، چاپ دوم.
- المصطفوی، حسن (بی تا)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، بیروت- قاهره- لندن: دار الکتب العلمیه، چاپ سوم، ج ۱۱ و ۱۲.
- المغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ق)، *تفسیر الکاشف*، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ج ۷.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ج ۲۵ و ۲۶.
- ملاحویش آل غازی، سید عبدالقادر (۱۳۸۲ق)، *بیان المعانی*، دمشق: مطبعه الترقی، ج ۱ و ۴.
- میرزا خسروانی، علی رضا (۱۳۹۰ق)، *تفسیر خسروی*، محقق: محمدباقر بهبودی، تهران: انتشارات اسلامیه.
- نورمحمدی، غلامرضا (۱۳۸۸)، «مراحل رشد جنین از منظر قرآن»، در: *پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم*، ش ۲، بهار.
- النووی جاوی، محمد بن عمر (۱۴۱۷ق)، *مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید*، محقق: محمد امین الصناوی، بیروت: دار الکتب العلمیه، ج ۲.
- وی سادلر، توماس (۱۳۹۴)، *جنین‌شناسی پزشکی لانگمن*، گروه مترجمان: غلامرضا حسن‌زاده و دیگران، تهران: ابن‌سینا، ویرایش سیزدهم.
- الهواری، هود بن محکم (۱۴۲۶ق)، *تفسیر کتاب الله العزیز، الجزایر: دار البصائر*، ج ۴.